

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال سوم، شماره ششم، بهار و تابستان ۹۲، صفحات ۱۳۹-۱۶۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

منصب تولیت و عوامل مؤثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی در عصر قاجار

زهرا علیزاده بیرجندی^۱

اکرم ناصری^۲

چکیده

آستان قدس رضوی به عنوان یک قطب مذهبی مهم در مطالعات تاریخ ایران و تاریخ محلی خراسان جایگاه ویژه‌ای دارد. در ساختار تشکیلاتی این نهاد مذهبی، منصب تولیت بالاترین مقام به شمار می‌آید. در کنار این منصب، مناصب دیگری چون نایب‌التولیه، قائم مقام التولیه و ناظر آستانه وجود دارد که صاحبان این مناصب، کارگزاران اصلی آستانه‌اند. آنچه مقرر است در این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد و داده‌های تاریخی مورد بررسی قرار گیرد، واکاوی پیشینه منصب تولیت از آغاز تا پایان دوره قاجار، نحوه انتصاب و کارکردهای منصب تولیت و تعاملات این منصب با والیان خراسان و حکومت مرکزی است. در انتها نیز عوامل مؤثر بر این منصب مورد تحلیل واقع شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: آستان قدس رضوی، منصب تولیت، نایب‌التولیه، قاجار، مشهد.

zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

akram_naseri@yahoo.com

۱- استادیار تاریخ دانشگاه بیرجند

۲- دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

پیشینه منصب تولیت آستان قدس رضوی به دوران صفویه باز می‌گردد، با این حال نشانه‌هایی از وجود این منصب نه با عنوان متولی بلکه تحت عنوان نقابت در دوران پیش از صفویه هم وجود داشته است. با توجه به گسترش موقوفات در دوره قاجار ضرورت انتصاب یک متولی در آستان قدس که نسبت به سایر متولیان از ارشدیت برخوردار باشد، بیش از پیش احساس گردید. از این زمان است که مسائل مربوط به منصب تولیت، شیوه‌های انتصاب متولیان، وظایف و کارکردهای آنان، نحوه اداره تشکیلات آستانه و معضلات مربوط به اداره این نهاد مذهبی مطرح می‌گردد. با توجه به مطالعات انجام شده در این زمینه باید گفت تاکنون کتاب یا پژوهشی مستقل در باب منصب تولیت آستان قدس رضوی نگارش نیافته است؛ به طوری که درباره این موضوع می‌توان به صورت پراکنده و به شیوه توصیفی در آثاری که در زمینه تاریخ مشهد و تاریخ آستان قدس به رشته تحریر درآمده‌اند، مطالبی یافت. در این زمینه می‌توان به تاریخ آستان قدس از آقایان علی مؤتمن و شمس‌الشموس از احتشام کاویانیان و دفتر اسناد آستان قدس و پایان نامه کارشناسی ارشد آقای علی سوزنچی کاشانی اشاره کرد. نگارنده این اثر به شرح و بررسی احوال محمد ولی خان اسدی با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی پرداخته است. اگرچه نویسنده، مدارک مهمی را ارائه کرده، لیکن کار ایشان صرفاً مربوط به یکی از متولیان در دوره پهلوی است که از نظر مقطع زمانی با حوزه مطالعاتی پژوهش حاضر تفاوت دارد. با توجه به این مقدمات، پژوهش حاضر این پرسش اساسی را مدنظر قرار داده است که چه عواملی بر منصب تولیت و کارکردهای متولیان در عصر قاجار تأثیر گذاشته است. فرضیه مطرح در پاسخ به سؤال فوق این است که روابط متولیان، والیان و حکومت مرکزی بر این منصب و تحولات مربوط به آن تأثیر گذاشته است. در کنار این فرض، دومین مفروض این نوشتار نقش سیاست مذهبی شاهان قاجار می‌باشد. شیوه جمع‌آوری مطالب در این مقاله کتابخانه‌ای و با تکیه بر اسناد صورت گرفته و در تحلیل داده‌ها نیز از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

پیشینه منصب تولیت

از قرون اولیه پس از شهادت امام رضا (ع)، حضور زائران پیرامون مزار امام (ع) و تأمین نیازمندی‌های آنان سبب ایجاد تشکیلاتی خودجوش و غیررسمی شد. بقعه‌ی امام رضا (ع) از همان قرون اولیه سرپرست داشته است. در زمان سامانیان مدتی یک زن، مباشر امور بقعه بوده که روزها از نوغان می‌آمده و در آن بقعه بوده و شب‌ها در را بسته و به منزل خود می‌رفته است (بسطامی، ۱۳۳۲: ۱۵). از سه، چهار قرن قبل از دوره صفوی تصدی بقعه رضوی بر عهده نقیب السادات خراسان که مقامی ارجمند و مخصوص سادات، علما و بزرگان محلی بوده، قرار داشته است (مدیرخا زنی، ۱۳۳۵: ۱۵۴). نقابت منصبی برای صیانت از حقوق سادات و رسیدگی به امور آنها به وجود آمد (ماوردی، ۱۹۹۶: ۱۲۱). پیشینه منصب نقابت به عصر امویان باز می‌گردد (ابن اشدقم، ۱۳۸۰: ۷۷؛ خالقی، ۱۳۷۸: ۱۲۰). در عصر عباسی نیز این منصب با کارکردهای سیاسی و به منظور کنترل طالبیان به حیات خود ادامه داد. نقابت در آن زمان یک منصب رسمی و حکومتی بود که از طرف حاکم وقت تعیین می‌گردید و شخص نقیب مجری سیاست‌های روز بود (موریومتو، ۱۳۸۶: ۱۱۵؛ متز، ۱۳۶۲: ۱۷۷). از سده چهارم هجری، خانواده‌های زیدیه و سپس سادات حسینی منصب نقابت علویان را به دست گرفتند (خلخالی، ۱۳۳۱: ۶۱۸). از میان ساداتی که پس از شهادت امام رضا (ع) در نوغان توس روی به این شهر آوردند، شاخص‌ترین ایشان سادات موسوی و رضوی هستند که در دوره صفوی از نظر مذهبی، سیاسی و نظامی قدرتی قابل توجه به دست آوردند (Farhat, 2002, p 67). برای اولین بار شاه طهماسب ضمن تفکیک موقوفات پیشین آستانه از موقوفات سلطنتی برای اداره این موقوفات به ترتیب، متولیان با عنوان سنتی و واجبی انتخاب کرد (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۴۹). در این دوره منصب تولیت بنا بر سیاست‌های شاهان صفوی در میان سادات موسوی، رضوی، مرعشی و همچنین گاهی شخص سلطان دست به دست می‌شد (قمی، ۱۳۵۹: ۶۲۵؛ وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۸۹؛ هاشم میرزا، ۱۳۷۹: ۴۸). در دوران نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ هـ.ق) سیاست مذهبی وی بر این قرار گرفت که نظارت بر موقوفات و امور آستانه را شخصاً عهده‌دار شود (مصطفوی رجالی، ۱۳۵۱: ۵۴)، اما این امر زیاد طول نکشید، زیرا پس از برقراری آرامش نسبی در زمان

جانشین نادر، علیشاهتمامی موقوفات ضبط شده دیوان آزاد شد (لمبتون، ۱۳۶۴: ۲۵۴). در بررسی پیشینه منصب تولیت، توجه به فرمانو طومار وقف‌نامه علیشاه از جهت اشاره به مناصب و کارگزاران آستانه در خور توجه است (همدانی، ۱۳۱۷: ۵۲؛ شاکری، ۱۳۶۷: ۱۰۱). از جمله دوره‌هایی که منصب تولیت و انتخاب متولیان تغییر اساسی کرد، اواخر دوره صفویه و اوایل عصر قاجاریه می‌باشد. در عصر قاجار برای اداره بهتر امور آستانه که اکنون تشکیلات وسیعی را در برمی‌گرفت، ناظرکل (متولی باشی)، افرادی را به عنوان نماینده خود (نایب التولیه) در تمام تشکیلات آستان قدس منصوب می‌کرد. در اوایل حکومت قاجاریه تحت تأثیر سیاست مذهبی شاهان قاجار - به‌ویژه فتحعلیشاه - نفوذ سادات در مشاغل کلیدی آستانه چون منصب نظارت، قائم‌مقام‌التولیه، معین‌النظاره، سرکشیکی و خادم‌باشی چشمگیر است، اما در اواخر این دوران نقش سادات کم رنگ‌تر می‌شود، زیرا سیاست شاهان قاجاریه بر انتخاب دولتمردان و شاهزادگان و متولیان غیربومی قرارگرفت. در واقع ملاحظیات سیاسی و پیوندهای درباری در این دوره بر عامل سیادت برتری یافت. تنها فردی که از سادات رضوی در اواخر دوره قاجار (۱۳۴۲ هـ.ق) به منصب تولیت آستان قدس منصوب شد، محمدعلی رضوی بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۳۲۳/۲). مجموعه ناظرکل و نایب‌التولیه دخالت مستقیم در تشکیلات داخلی آستانه و امور مربوط به موقوفات را بر عهده داشته‌اند؛ به طوری که تمامی کارها در تشکیلات آستان قدس رضوی با اطلاع آنها انجام می‌گرفت (حسن آبادی، ۱۳۸۲: ۳۵). براساس اسناد به جا مانده از دوره صفوی تا دوران پهلوی، شاهان وقت منصب تولیت عظمی را به عنوان یک منصب رسمی از افتخارات سلطنتی خود می‌دانسته‌اند. در تلگراف معافیت مالیاتی موقوفات آستانه که از سوی مظفرالدین شاه به صدارت عظمی صادر شد، اشاراتی به جایگاه سلطان در تولیت آستانه رفته است (همدانی، ۱۳۱۷: ۱۳). این تلگراف نشان می‌دهد که حکومت قاجار مقام تولیت را حق شرعی و عرفی خود می‌دانسته‌اند. آوردن واژه «شرعاً» در این تلگراف نشانگر صبغه دینی مسئولیتی است که شاهان قاجار برای خود قائل بوده‌اند (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۲۴۱/۱؛ کاویانیان، ۱۳۵۵: ۳۳۹). اکثر جهانگردان اروپایی که در دوره قاجار میان سال‌های (۱۲۳۷ - ۱۲۸۹ هـ.ق) به خراسان سفر کرده‌اند، در نوشته‌های خود برای تولیت وقت از کلمه متولی و متولی

باشی یاد کرده‌اند (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۸۹). ناصرالدین شاه در دومین سفر خود به مشهد در سال (۱۳۰۰ هـ.ق) در بازدید از باغ اصفالدوله از او به عنوان متولی‌باشی یاد کرده و خدمات عمرانی وی را در این باغ مورد ستایش قرار داده‌است (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۳: ۱۳۵). خانیکوف نیز که در سال (۱۲۷۵ هـ.ق) از مشهد دیدن کرده در سفرنامه خود به انتصاب متولی‌باشی از سوی شاهان وقت اشاره می‌کند (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

شیوه‌های انتصاب متولیان آستان قدس

در انتصاب متولیان شیوه‌های مختلفی صورت می‌گرفته است. گاه با صدور فرمانی مستقیماً از طرف سلطان وقت تعیین می‌شده‌اند (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۲۵) و گاهی انتخاب متولی جدید به پیشنهاد تولیت سابق بوده‌است. دبیرالملک فراهانی که در سال (۱۲۸۵ هـ.ق) به تولیت آستان قدس منصوب شد، هنگام عزیمت به دارالخلافه، در نامه‌ای به شاه، نظر خود را برای انتخاب متولی جدید ابراز می‌کند (سندشماره ۲۹۵۰۰۴۵۱۶-۲۳۴ ب ۳ الف را. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران). چنانچه در بسیاری از فرمان‌ها حکم تصویب انتصاب تولیت آستانه از سوی وزیر اوقاف و فواید عامه صادر شده است. در این فرامین بر تصدی تولیت عظمی از سوی سلطان وقت و ساماندهی امور آستانه بر طبق دستورالعمل وزارت اوقاف تأکید شده‌است (معتقدی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). در کنار این عوامل مؤثر در انتخاب تولیت آستانه، انتصاب از طریق پیشکش و خرید و فروش منصب نیز درخور توجه است. از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه، آستانه رو به آشفتگی گذاشت که این امر در عصر مظفری شدت بیشتری یافت. بسیاری از متولیان با تقدیم مبلغی به عنوان هدیه به شاه وقت، خواهان تصدی مقام تولیت بوده‌اند (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۶۳). متولیان در آغاز شروع کار خود این مبالغ نقدی را از عایدات آستانه و حتی گاهی چندین برابر برداشت می‌کردند و با دریافت مبالغی از اشخاص به آنها لقب، حقوق و عنوان خدمت می‌دادند (ماهوان، ۱۳۸۳: ۳۳۴). این بده‌بستان‌ها در نابسامانی امور آستانه و مقروض بودن همیشگی آن بی‌تأثیر نبوده است. در کنار منصب تولیت عظمی (شاه وقت) و متولی‌باشی، مناصب دیگری در تشکیلات آستانه به چشم می‌خورد که از آن میان می‌توان به نایب‌التولیه و قائم‌مقام‌التولیه اشاره کرد.

نایب التولیه

انتخاب افراد به منصب نایب التولیه به اواخر عصر صفوی - از زمان انتصاب میرزا داوود حسینی به این سمت - باز می‌گردد (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۶۲). انتصاب نایب‌التولیه‌ها نیز مانند انتخاب متولیان به صورت‌های مختلفی انجام می‌شده است. اغلب اشخاصی که به این منصب گماشته شده‌اند، فرزندان متولیان، کارکنان با تجربه آستان قدس و افرادی بوده‌اند که به نوعی وابستگی‌های درباری و دولتی داشته‌اند. شاهان قاجار در انتخاب نایب‌التولیه گاه به شیوه‌ای غیرمستقیم و از طریق رایزنی با متولی سابق به این انتصاب دست می‌زده‌اند. انتخاب حاجی سیدحسین عرب در سال (۱۳۰۲ هـ.ق) به منصب نیابت تولیت نمونه‌ای از این انتخاب‌ها است (نوایی، ۱۳۷۷: ۷۷). در مواردی نیز والیان خراسان - البته بسته به نقش آن‌ها در اعاده امنیت خراسان - در انتخاب این صاحب‌منصبان دخالت مستقیم داشته‌اند. در این خصوص می‌توان به حکم فرمان انتصاب میرزا مهدی‌خان به سمت نایب‌التولیه توسط والی وقت، سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه اشاره کرد (سند شماره ۳۹۵۴۶/۱ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی). باید اشاره کرد که در هنگامه آشفتگی و جنگ نیز، مسئولیت حاکم خراسان و متولی افزایش می‌یافت. چنانکه در جنگ ایران و روس با اوج‌گیری سرکشی خوانین خراسان، متولی به علت درگیری در برقراری امنیت، نایبی را از سوی خود برای نظارت بر امور آستانه انتخاب می‌کرده است. پس از شروع فتنه سالار (آدمیت، ۱۳۶۲: ۲۳۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳/ ۱۵۵۹) در سال (۱۲۶۴ هـ.ق) و کشته شدن عبدالله خویی تولیت وقت، آستان قدس دو سال بدون متولی بوده است که در این مدت دچار آشفتگی‌های زیادی گردید. در اواسط دوره قاجار آمیختگی دو منصب تولیت و حکمرانی خراسان و افزایش مشغله‌های کاری متولیان، وجود نایب‌التولیه را بیش از پیش ضروری می‌ساخت. فوت ناگهانی بسیاری از متولیان وقت نظیر قوام‌الملک شیرازی در سال (۱۲۷۷ هـ.ق) و جعفرخان مشیرالدوله در سال (۱۲۸۱ هـ.ق) نشان داد که پیش‌بینی این منصب تا چه اندازه کارساز بوده است.

جدول شماره (۱) معرفی نایب‌التولیه‌های عصر قاجار

| دلائل تصدی منصب نیابت تولیت | متولی‌باشی وقت | نایب التولیه |
|---|---|--|
| فرزند متولی وقت آستانه (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۳، ۲۴۴) | عبدالباقی منجم باشی (۱۲۶۷-۱۲۷۰ هـ.ق) | مهدی خان نایب التولیه (۱۲۶۹-۱۲۷۰ هـ.ق) |
| تجربه و کاردانی (همدانی، ۱۳۱۷: ۱۳۸) | فضل الله وزیر نظام (۱۲۷۰-۱۲۷۲ هـ.ق) محمدحسین عضدالملک قزوینی (۱۲۷۲-۱۲۷۷ هـ.ق). | میرزا احمد نایب التولیه (۱۲۷۰-۱۲۷۵ هـ.ق) |
| از اختیارات وی در منابع هیچ مطلبی یافت نشده است (سوزنجی، ۱۳۸۵: ۴۵). | جعفرخان مشیرالدوله (۱۲۷۷-۱۲۸۱ هـ.ق). | میرزا عبدالله (اواخر ۱۲۷۹ هـ.ق). |
| از اختیارات وی در منابع هیچ مطلبی یافت نشد (همان: ۳۵). | تولیت مجدد عضدالملک قزوینی (۱۲۸۲-۱۲۸۳ هـ.ق). | میرزا علی اصغر (اوایل ۱۲۸۲ هـ.ق) |
| فرزند احمد نایب التولیه سابق (۱۲۷۰-۱۲۷۵ هـ.ق) (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱/ ۴۳). | محمدحسین عضدالملک قزوینی (۱۲۸۲-۱۲۸۳ هـ.ق) | میرزا بدرالدین نایب التولیه (۱۲۸۲-۱۲۸۳ هـ.ق). |
| فرزند متولی وقت (همان: ۴۵) | سعیدخان مؤتمن الملک انصاری (۱۲۹۰-۱۲۹۷ هـ.ق). | مصطفی خان (۱۲۹۰ هـ.ق) |
| همکار سپهسالار در امور حکومتی (همان: ۴۶). | میرزا احسین خان سپهسالار (۱۲۹۷ هـ.ق). | حاجی رحیم خازن الملک (۱۲۹۷ هـ.ق) |
| سابقه تصدی مقامات حکومتی (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۳۵؛ ادیب هروی خراسانی، ۱۳۷۳: ۵۰). | محمدتقی میرزا رکن الدوله (۱۲۹۷، ۱۲۹۸-۱۳۰۱، ۱۳۰۶-۱۳۰۸ هـ.ق). | احمد میرزا معین الدوله (۱۲۹۹ هـ.ق) |
| آشنایی با متولی وقت آستانه (حسن آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). | عبدالوهاب خان آصف الدوله (۱۳۰۱-۱۳۰۳ هـ.ق) | سید حسین عرب (۱۳۰۲ هـ.ق) |

در کنار سه منصب تولیت عظمی، متولی‌باشی و نایب‌التولیه یکی دیگر از مناصب کلیدی در تشکیلات اداری آستان قدس، منصب قائم‌مقام‌التولیه است. این منصب اولین بار در فرمانی توسط ناصرالدین‌شاه برای سید محمد رضویدر سال (۱۳۱۱ هـ.ق) صادر شده است (حسن آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). وی در این حکم، نظارت بر امور آستانه اعم از رسیدگی به موقوفات مطلقه و غیرمطلقه و مصارف آن، تصحیح معاملات و نظارت بر صدور بروات را از جمله وظایف مهم قائم‌مقام‌التولیه بر می‌شمارد.

وظایف و کارکردهای متولیان آستانه

از اواسط دوره قاجار نظارت دقیق بر امور آستانه از جمله وظایف مهم تولیت قرار گرفت (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۶۲). در این دوره با توجه به گسترده‌گی تشکیلات، متولیان وظایف و مسئولیت‌های مختلفی را عهده دار بوده‌اند که به مهمترین وظایف آنها در زمینه‌های مذهبی، فرهنگی، عمرانی و اداری - مالی اشاره می‌شود:

مذهبی

- حضور در مراسم آیینی (اعیاد و سوگواری‌ها)، غبارروبی و مراسم تنظیف حرم (همان: ۳۲۹).
- جشن و اطعام در ایام ولادت و تشویق ثروتمندان برای وقف موقوفه به آستانه (مولوی، ۱۳۵۸، ج ۳/ ۲۳۰).
- تعیین قاریان قرآن برای قرائت در صحن‌های حرم (خراسانی، ۱۳۴۷: ۵۸۲).
- مرسوم کردن رسم عیدی به اهل علم و سادات از محل عشر حق‌التولیه (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱/ ۹).

فرهنگی

- رتق و فتق امور مربوط به مکتب‌خانه‌ها، مدارس و مواجب معلمین آنها به صورت نقد و جنس (سند شماره ۱۷۳۹۳/۳ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس

رضوی)^۱ (۱).

- نظارت بر تعمیر کتابخانه و مرمت کتب آن (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲/ ۲۳۶).
- گسترش فرهنگ زیارت از طریق فراهم آوردن تسهیلات زیارتی برای زائران که خود شامل موارد ذیل است:
- دستگیری از زوار نیازمند و درمانده (اعراب عراق، حله و بحرین) (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱/ ۹).
- جمع‌آوری متکدیان از معابر بالا خیابان و پایین خیابان (بسطامی، ۱۳۳۲ هـ.ق: ۵۱؛ سپهر، ۱۳۷۷، ج ۳/ ۱۲۳۶)

عمرانی

- تعمیرات بیوتات و مؤسسات وابسته (رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۷).
- سنگفرش صحن‌های حرم برای سهولت عبور و مرور زائران.
- ایجاد ساختمان دارالتولیه بر روی حوض انبار صحن کهنه (بسطامی، ۱۳۳۲: ۵۱).
- احداث راه نیشابور به مشهد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱۰۳/۱).

اداری - مالی

- نظارت بر موقوفات و ساماندهی امور آنها (همان، ج ۱۰/۱).
- ترتیب خدمات درگاهی و نظم کلیه امور خادمان، فراشان، کفش بانان، قاریان قرآن جهت تعیین مواجب نهار و شام در اوقات خدمت (بسطامی، ۱۳۳۲: ۵۲).
- نظارت بر امور مالی آستانه به صورت صدور حواله‌های مربوط به پرداخت بروات، اجاره نامه‌ها، صورت برداری و سیاهه نویسی از کلیه اثاثیه منقول (مؤتمن، ۱۳۴۸: ۲۶۲).
- پرداخت حقوق سالانه خدمه و عمال با مبالغ نقدی و جنسی (همان: ۲۶۳).

۱- (اعدادی که از شماره ۴-۱ داخل پرانتز آمده، نشانگر شماره اسناد درج شده در پیوست می‌باشد).

- ساماندهی امور مالی مربوط به آستانه در خصوص جشن‌ها، موقوفات، عزاداری‌ها و مراسم مذهبی، (سند شماره ۱۵۴۰۴/۵ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی).
- پرداخت کمک‌های خیریه به کارمندان آستانه جهت رفع مشکلات آنان (سند شماره ۶/۱۵۴۰۴ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی).
- کمک‌های آستانه به زائرین در ماه‌های خاص (سند شماره ۴۰۰۸۱/۱ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی).
- نظارت بر صورت مخارج تهیه لباس و کفش برای اطفال مکتب‌خانه (جهانپور، ۱۳۸۷: ۹۹).
- اعطای خلعت به شخصیت‌های مهم کشوری و افراد متفرقه (سند شماره ۱۹۶۵۷/۱ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

بهداشتی

- تأسیس دارالشفای رضوی - بیمارستان آستان قدس - برای بیماران بومی و غیربومی (کاظم امام، ۱۳۴۸: ۴۹۳).

شایان ذکر است که یکی از مهمترین وظایف و اختیارات متولیان از نظر شرع، مسأله دخالت آن‌ها در ساماندهی امور موقوفه بوده است. به طوری که این وظیفه، نظارت بر موارد متعددی را به جهت تنوع مصارف آن دربرداشته که به برخی از آنها در ذیل عنوان کارکردهای مذهبی، فرهنگی و عمرانی اشاره شده است در خصوص امور موقوفه باید اشاره کرد که اسناد و مدارک آستان قدس در طول تاریخ بارها در معرض تاخت و تاز اقوام مختلف قرار گرفته، لذا تاریخ دقیق شروع وقف آنها در آستانه چندان مشخص نیست. اما آستان قدس به علت وجود مرقد امام رضا (ع) در تمام ادوار تاریخ همواره کانون توجه واقفانی بوده است که از سر صدق، بخشی یا تمامی دارایی خود را وقف آستانه کرده‌اند. متولیان که در دوره قاجار از سوی شاهان وقت به منصب تولیت انتخاب می‌شدند، در درجه اول عنوان

نیابت داشته و دامنه اختیارات آنها با اجازه پادشاهان از یک طرف و نظر واقفان در خصوص اختیارات متولی در موقوفات از طرف دیگر ارتباط داشته است. در موقوفات خاصه، وظیفه وی نظارت بر اجرای وصیت شخصی واقف و اداره موقوفه بوده، اما در موقوفات مطلقه، متولی نظارت بر تمام مصارف موقوفه را برعهده داشته است. پس از کسر هزینه‌های مورد نیاز موقوفه بنا به وصیت واقف، عشر درآمد به عنوان حق التولیه به متولی اختصاص داشته است (همدانی، ۱۳۱۷: ۱۳۸؛ مؤتمن، ۱۳۴۸: ۳۰۱). مصارف موقوفات در اکثر وقفنامه‌ها از قبیل مخارج نگهداری، عمران رقبه موقوفه، حق التولیه، حق النظاره، مخارج مریضخانه، روشنایی حرم، حقوق نایب‌الزیاره، مکتب‌خانه، طعام زوار، روضه خوانی ذکر شده است. جزئیات مربوط به نحوه نظارت متولیان حرم آستان قدس رضوی در ساماندهی امور مربوط به موقوفات در صورت وقفنامه آستان قدس آمده است (همدانی، ۱۳۱۷: ۱۳۸). در سفرنامه‌ها و خاطرات نیز اطلاعات مفیدی در مورد متولیان و اداره موقوفات وجود دارد (دالمانی، ۱۳۵۵: ۷۲). پس از خراسان، هرات از جمله شهرهایی است که بیشترین موقوفات آستانه را در خود جای داده است. عواید این موقوفات تا هنگام جدایی هرات از خراسان در سال (۱۲۷۳ هـ) در زمان ناصرالدین شاه پس از پرداخت به آستانه در مصارف مربوطه به مصرف می‌رسیده است (کریمیان، ۱۳۷۸: ۶۴). به نظر می‌رسد جدایی هرات مشکلاتی را در امر اداره موقوفات امام رضا (ع) در هرات به وجود آورده است. یکی از فرمان‌های ناصرالدین شاه به عضدالملک دلگرنانی شاه را از این موقوفات در خارج از قلمرو نشان می‌دهد (افشار، ۱۳۴۹: ۱۳۹). در سال (۱۲۸۳ هـ) قانون تشکیلات معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تصویب شد (روزنامه دولت علیه ایران، ش ۵۸۹، پنجشنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۸۳: ۵؛ کریمیان، ۱۳۷۸: ۷۱) و وزارت معارف و فواید عامه اقداماتی در خصوص اصلاحات امور آستانه در پیش گرفت. وزارت اوقاف اولین دستورالعمل اجرایی تولیت آستانه را در نوزده ماده تصویب کرد که پایه تنظیمات آینده گردید و تمامی مسئولان ادارات معارف در سایر شهرستان‌ها موظف شدند بر اساس این دستور عمل کنند (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۹۰).

عوامل مؤثر بر کارکردهای منصب تولیت در دوره قاجار

به علت کثرت موقوفات و فزونی عایدات آستان قدس، این نهاد مذهبی در دوره‌های

پیشین برای حل و فصل امور مالی، دیوان محاسبات داشته که در آن گروهی تحت نظر متولیان کار می‌کردند و برای هر یک از کارگزاران و کارمندان و خدمه، حقوق و مزایایی هم در نظر گرفته می‌شده است. درآمد آستانه عبارت بود از املاک مزروعی، باغات و اراضی موقوفه، نذورات و تقدیمی‌ها و وجوه بدست آمده از دفن اموات در آستانه. در دوره صفوی کلیه مخارج آستانه به افراد، در زمینه پرداخت مواجب و هزینه‌های گوناگون به صورت روزانه در روزنامه‌چه نوشته می‌شد (رضوی، ۱۳۵۲: ۳۸) تا در دفتر توجیهاات مورد بررسی قرارگیرد (شهبهانی، بی‌تا: ۱۳۸). همچنین تمامی درآمدهای بارگاه رضوی در سایر شهرستانها و حسابرسی پول‌های پرداختی به افراد در اوارجه ثبت و ضبط می‌گردید (سمیعا، ۱۳۶۸: ۱۴۰؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ج ۱/۱۲۱). این شیوه حسابرسی در دوره قاجار همچنان ادامه یافت. اما پس از چندی اعمال غیرقانونی کارگزاران آستانه در امور مالی موجبات نابسامانی امور را بیش از پیش فراهم کرد (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۸۹؛ بیت، ۱۳۶۵: ۳۱۸). صاحب مطلع الشمس نیز بیشترین بهره برداری از درآمد آستانه را از سوی کارگزاران ذکر می‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ج ۲/۲۴). لذا برای بررسی و تحلیل مهمترین عوامل مؤثر بر کارکردهای منصب تولیت به دسته بندی این عوامل در ذیل پرداخته شده است.

– تعاملات حکومت مرکزی با متولیان

این روابط در چارچوب مکاتبات آنها و سفرهای شاهان قاجار و صاحب منصبان حکومتی به مشهد، قابل پیگیری است. مکاتباتی که از مرکز با متولیان صورت می‌گرفت، مواردی چون احکام انتصاب، ابقای مناصب، مکاتبات مربوط به موقوفات، فرامین مربوط به اظهار لطف و قدردانی از کارگزاران درجه یک آستانه، تصویب انتصاب منصب نیابت تولیت از سوی وزیر اوقاف، احکام صادر شده از سوی شاه به متولیان در خصوص تأمین وسایل مورد نیاز حرم، فرامین در مورد حمایت‌های متولیان از سوی شاهان و تهدید محرکان توسط ایشان و عزل و نصب‌ها را در بر می‌گرفت. در کنار مکاتبات صورت گرفته از حکومت مرکزی به آستانه، یکسری مکاتبات نیز از سوی متولیان به مرکز انجام شده است. در این روابط مکاتبه‌ای، از موضوعاتی نظیر صلاحدید در خصوص نحوه اجاره املاک موقوفه عراق از مرکز، پیشنهاد به شاهان برای انتخاب متولی جدید، عدم درآمد کافی برای متولیان و

درخواست‌های مالی از مرکز صحبت‌هایی شده است نظیر نامه به شاه از سوی تولیت سابق درباره تعیین متولی‌باشی آستانه و پیشنهاد انتصاب حشمت‌الدوله به تولیت (سند شماره ۲۵۰۶-۲۹۵۰-۶۰۴ الف ۵ الف ر.ا. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران).

تعاملات حکومت مرکزی با والیان

مکاتبات حکومت مرکزی با والیان دسته دیگری از عوامل مؤثر بر منصب تولیت را نشان می‌دهد. مضمون نامه‌های ارسالی از سوی حکام ایالتی خراسان روشن می‌کند که آنان قادر بودند در بسیاری از مسائل و حوزه‌های اختیارات متولی از جمله مسائل مربوط به موقوفات دخالت کنند. این مداخلات در بیشتر موارد از طریق مکاتبه با حکومت مرکزی و جلب نظر آنان پیرامون امور مالیاتی، (تخفیف، بخشودگی مالیات) یا واگذاری اراضی موقوفه به افرادی خاص بوده است. مکاتباتی میان والیان، مرکز و متولیان مبادله شده است که در ذیل به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

فرمان شاه به حسام‌السلطنه در خصوص عضدالملک، متولی آستانه و خدام سرکار فیض آثار (افشار، ۱۳۴۹: ۱۶). تخفیف مالیاتی برای دکان قصابی مصارف مهمانسرای حضرتی از سوی حاکم خراسان، حسام‌السلطنه (معتقدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). واگذاری املاک موقوفه به مباشرین عبدالباقی، متولی‌باشی آستانه و بخشودگی مالیات بر املاک وقفی (همان: ۱۲۳). فرمان واگذاری موقوفه خبوشان به متولی‌باشی آستانه و ممنوعیت دریافت اضافه بر مالیات از این املاک. مداخلات حاکم ایالتی در امور محوله به تولیت آستانه (همان: ۱۲۴). توجه مرکز به درخواست‌های والیان در امور آستانه و جلب نظر آنان به خاطر اهمیت منصب حاکم خراسان و نقش وی در برقراری امنیت آن ایالت بوده است. بنابراین به هر نسبت که والی خراسان در ایجاد نظم و رضایت مساعد سلطان وقت موفق بوده، به همان اندازه حکومت مرکزی در اجابت خواسته‌های آنها اهتمام بیشتری داشته و دست آنان را در مداخلات- امور آستانه- بازتر می‌گذاشته است؛ به طوری که این امر خود نقش مهمی در فراهم کردن موجبات آسفتگی اوضاع آستانه و مقروض بودن همیشگی آن داشته است.

سوءاستفاده‌های صاحب‌منصبان آستانه و مداخلات ناروای آنها

برخی از والیان، مأموران دولتی و کارگزاران آستانه نیز در اثر ضعف ایمان و کسب مال و ثروت، نسبت به موقوفات تعدی می‌کردند. املاک و رقباتی را به تصرف خود درآورده و یا به گروهی می‌بخشیدند و وقفنامه‌ها را از بین می‌بردند. عین السلطنه در روزنامه *خاطرات* خود با اشاره به مصارف موقوفات بر طبق وقفنامه به سوءاستفاده‌های نامشروع صاحب‌منصبان آستانه و عمل نکردن ایشان به صورت وقفنامه چنین می‌نویسد: «این موقوفات هر یک مصارفی معین و مخارجی معلوم مطابق وقفنامه شرعی دارد و هر یک صد هزار لعن و طعن کرده‌اند که جز آن مصارف خرج دیگری نشود. مثلاً یک قریه وقف پوستین زوار است. دو قریه وقف سوخت زوار است. چند قریه وقف مریضخانه حضرت. اما ابداً به آن نوشته‌جات عمل نمی‌شود و احدی پیرامون آن نمی‌گردد» (عین السلطنه، ۱۳۷۶: ج ۲/۱۷۴۷). اخبار این مداخلات و نتایج عملکردهای کارگزاران طماع آستانه در جراید مختلف از جمله در مطبوعات مشهد، تهران و هندوستان به شیوه‌ای انتقادی مطرح شد و ضرورت اصلاحات جدی در امور آستانه را پدید آورد. با ظهور حکومت موقت کودتا دستوری مبنی بر اصلاحات آستانه با امضای سید ضیاءالدین - نخست وزیر وقت - به کلنل محمد تقی‌خان پسپان صادر شد. در این نامه پیشنهاد تشکیل کمیسیونی به منظور بررسی معضلات آستانه و انجام اصلاحاتی در امور آن مطرح شده بود. کمیسیون مزبور مشتمل بر سه فصل بوده که هر یک از این فصول ساماندهی بخشی از امور آستانه (امور متولیان، امور مالی و محاسبات و دارایی‌های آستانه) را دربر می‌گرفته است. به طوری که علی‌رغم تشکیل کمیسیون مذکور بی‌نظمی در آستانه تا دوره پهلوی همچنان ادامه یافت و بهبودی حاصل نشد.

سوءاستفاده‌های خدام و کشیکچی باشیان

اعمال غیرقانونی از بالاترین طبقه تا پایین‌ترین سلسله مراتب اداری که خدام و کارگزاران در آن مشغول خدمت بودند، قابل رؤیت است. عدم نظارت کافی برخی از متولیان بر امور آستانه سبب سوءاستفاده‌های زیادی از سوی خدام (سیاح، ۱۳۴۶: ۱۳۶) و کشیکچی باشیان شد (سند شماره ۲۹۷۲۳/۱ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس

رضوی (۲). این سوءاستفاده‌ها حتی به آشپزخانه، دارالشفای حضرتی و دیگر قسمت‌های آستانه راه یافت. در واقع آشفته‌گی اوضاع آستانه در مکاتبات صاحب منصبان دولتی نیز انعکاس پیدا کرده است.

– رقابت و اختلافات والیان خراسان و متولیان

از دیگر عوامل نابسامانی در تشکیلات آستان قدس و تأثیرگذار بر کارکردهای متولیان را باید در روابط میان والیان خراسان و متولیان جستجو کرد. از اواسط دوره قاجار در خراسان بین دو منصب ایالت خراسان و تولیت همواره اختلاف بوده و هرکدام خود را بر دیگری برتر و مقام خود را بالاتر می‌دانسته‌اند. نمونه‌ای از دخالت‌های والیان در امور آستانه را می‌توان در دوران حکمرانی قوام السلطنه در خراسان جستجو کرد. وی به علت آنکه مقام فرمانروایی مطلق خراسان را در دست داشت و کلیه ادارات قضایی، سیاسی و مالی و حتی مذهبی خراسان را تحت کنترل خود درآورده بود، به سوءاستفاده‌های فراوان دست زد. قوام در کلیه امور آستانه نظیر پرداخت حقوق کارکنان، بدهی مستأجرین املاک موقوفه، سفارش خدمت افراد در آستانه، اجاره املاک به افراد مورد نظر دخالت می‌کرده است (فرخ، ۱۳۴۵: ۷۵). در کنار عوامل فوق که هر یک به نوبه خود در نحوه ایفای نقش متولیان در آستان قدس رضوی مهم و تأثیرگذار بوده است؛ توجه به اقدامات متولیان به عنوان مهمترین کارگزاران آستان قدس رضوی نیز ضروری می‌نماید. به گونه‌ای که بسیاری از این اقدامات بیش از سایر عوامل ذکر شده در ناکارآمدی برخی از متولیان در آستانه نقش داشته که در ذیل به مهمترین این عوامل پرداخته می‌شود.

عملکردهای غیرقانونی متولیان

یکی از مباحث شایان توجه در بحث موقوفات و ناکارآمدی متولیان در امور آستانه، دخل و تصرفاتی است که موجبات آشفته‌گی اوضاع آستانه و مقروض بودن همیشگی آن را فراهم می‌کرد. آنچه اوضاع این نهاد را بیش از پیش آشفته ساخت، قسمتی به اقدامات دولتمداران و حکام و قسمتی به تولیت آستانه بر می‌گشت. وضع موقوفات از زمان انقراض دولت صفوی رو به افول گذاشت. در زمان قاجار معضلات جدی در امور موقوفات آستانه پدید آمد.

در دوره سپهسالار علی‌رغم تلاش‌های وی در ایجاد اصلاحات برای اوقاف، بحث‌هایی مطرح است که این مباحث نشان دهنده سوءاستفاده‌های احتمالی متولیان در آستانه بوده است (راوندی، ۱۳۶۷: ج ۴/۱۵۴؛ سند شماره ۲/۸۱۷/۲۵۰۰۰۰۱۰۳ و الف ۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران).

دخالت‌های نامشروع متولیان در موقوفات

در کنار عوامل فوق یکی از مهمترین علل ناکارآمدی متولیان در امور و نابسامانی اوضاع آستانه و به ویژه موقوفات، به عملکرد برخی از متولیان باز می‌گردد. منصب متولی حرم، مقامی سودآور و با قدرت بوده است. متولیان آستانه مبالغی به نام رسوم تحت عنوان حق-التولیه دریافت می‌کردند که این حقوق علاوه بر یک دهم درآمدهای حرم بوده است (رفیعا، ۱۳۸۵: ۳۵۲). متولی باشی از درآمد سالیانه آستان قدس در همان وهله اول ده درصد را به عنوان مقرری ثابت خود برداشت می‌کرده که این مقدار تمام مبلغ دریافتی متولی نبوده است. زیرا متولی باشی هر ساله هدایای زیادی از طرف کسانی که املاکی از آستانه را در اجاره داشته‌اند و کارکنان دیگر حرم که تجدید قرارداد اجاره یا استخدام آن‌ها با موافقت مستقیم متولی صورت می‌گرفته، دریافت می‌کرده است (بییت، ۱۳۶۵: ۳۲۰). اما باید گفت کمتر متولینی بوده‌اند که خود را از این نوع اعمال غیرقانونی دور نگه داشته و به همان میزان حقوق دریافتی خود از درآمد حرم قانع بوده‌اند. مستوفی نیز در خاطرات خویش ضمن اشاره به موقعیت برتر پادشاه وقت در نظارت بر املاک و مصارف وقفنامه‌ها به مقایسه عملکرد متولیان گذشته با دوران خویش پرداخته است. وی در جای دیگر نیز به نمونه‌هایی از این سوءاستفاده‌ها در دارالشفای حضرتی، آشپزخانه و سایر بخش‌های آستانه نیز اشاره کرده است (مستوفی، ۱۳۷۱: ج ۲/۸۳۲). برخی از اسناد تاریخی، شواهدی از این دست سوء استفاده‌های متولیان را در اختیار ما قرار می‌دهد (سند شماره ۱/۸۱۷/۲۵۰۰۰۰۱۰۳ و الف ۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران). در واقع دخل و تصرف در موقوفات آستانه و نتایج حاصل از آن به اندازه‌ای بوده که توجه برخی سیاحان خارجی نیز به آن جلب شده است. کرزن و بییت در سفرنامه خویش ضمن اشاره به میزان درآمد و شیوه بودجه‌بندی آن، به معضل کسری بودجه در آستانه اشاره می‌کنند (بییت، ۱۳۶۵: ۳۱۸؛

کرزن، ۱۳۸۰: ۲۳۴). آشفتگی اوضاع آستانه در مکاتبات صاحب منصبان دولتی نیز انعکاس پیدا کرده که نمونه‌های از این نوع شکایات به اعمال غیرقانونی متولیان از سوی اداره ولایات توسط مشهدی آقا بزرگ نوشته شده است (سند شماره ۲۴/۸۱۷/۲۵۰۰۰۱۰۳ و ۱ الف ۱، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران) (۳). در پایان توجه به دوران تولیت میرزا مرتضی قلی خان طباطبایی (۱۳۲۹-۱۳۳۴، ۱۳۳۶-۱۳۳۸، ۱۳۴۰-۱۳۴۱ ه‍.ق، ۱۳۰۳ ش.) و محمد علی قائم مقام التولیه (۱۳۴۱ ه‍.ق) از جهت رسیدگی‌های جدی به امور آستانه ضروری می‌نماید. دوران تولیت آنها با اوج آشفتگی و مقروض شدن آستانه همراه بوده- که ریشه در دوران تولیت ظهیرالاسلام داشت- و اقدامات ایشان در جهت ساماندهی امور تا به آنجا پیش رفت که از اموال شخصی خود برای رتق و فتق امور و پرداخت طلب مستأجرین تلاش کرده و تا حدی اوضاع آستانه را از ننگ قرض رها کردند.

نتیجه

آستان قدس رضوی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادهای مذهبی از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات تاریخ ایران برخوردار است. در ساختار تشکیلاتی این نهاد مذهبی، منصب تولیت از کارگزاران اصلی آستانه بوده است. پیشینه این منصب به دوره صفویه باز می‌گردد. منصب تولیت در دوره قاجار تحت تأثیر عوامل مختلف از بعد ساختاری و هم از جنبه کارگزاران آن تغییراتی پیدا کرد. گزینش و انتخاب متولیان عصر قاجار بر اساس معیارهایی چون سوابق کاری متولی، درباری بودن، پیوندهای خویشی با شاه، رابطه با صدراعظم‌ها و کارکنان مجرب آستانه در مواردی حتی از طریق اعطای رشوه در انتصابات متولیان تأثیرگذار بوده است. همچنین عوامل مختلفی از جمله سیاست مذهبی شاهان قاجار، تحولات نظام اداری، روابط والیان، متولیان و حکومت مرکزی در تغییرات این منصب مذهبی نقش آفرینی کرده‌اند. در بحث سیاست مذهبی شاهان قاجار به ویژه دوره ناصری به بعد که رابطه دو نهاد دین و دولت به تیرگی می‌گراید، ملاک‌هایی چون سیادت و روحانی‌بودن که پیش از این در انتخاب متولی مدنظر قرار می‌گرفت، ارزش خود را از دست داد و ملاحظات سیاسی جایگزین آن شد. عواملی چون تعدی صاحب‌منصبان آستانه، دست اندازی‌های مأموران دولتی، دخالت‌های حاکم ایالتی در تشکیلات آستانه بر نحوه کارکردهای منصب تولیت

تأثیرگذاشت و زمینه بروز اعمال غیرقانونی در تشکیلات آستانه را بیش از پیش فراهم کرد. از دیگر عوامل تأثیرگذار می‌توان به روابط حکومت مرکزی با والیان و متولیان، نقش صاحب‌منصبان آستانه و دخالت‌های مأموران دولتی و رقابت‌های حاکمان ایالتی در تشکیلات این نهاد مذهبی اشاره کرد. به طوری که از جمله مهمترین عامل مؤثر بر منصب تولیت، دخالت‌های حاکمان خراسان بوده است. در دوره قاجار مناصب استانداری خراسان و نیابت تولیت به ترتیب از سوی وزارت داخله و شاه عصر تعیین می‌شد و این هر دو شخص صاحب قدرت بودند؛ به تدریج تغییر جدی در دولت مذکور ایجاد شد به گونه‌ای که گاه این دو منصب به یک شخص سپرده شده است. لذا آمیختگی این دو منصب با توجه به موقعیت حساس خراسان، جایگاه متولی را دو چندان تقویت می‌کرد و والیان خراسان گاه این سمت را به شرط واگذاری نیابت آستان قدس می‌پذیرفتند. تمایل بسیاری از والیان خراسان برای بدست گرفتن این منصب به مرور زمان زمینه ساز تعدی و تجاوز در امور مملکتی گردید. در واقع معیارهای سیاسی در گزینش متولیان در دوره قاجار سبب شد که درباری بودن، پیوند خویشی با شاه و حتی پرداخت رشوه در تصدی منصب تولیت و جلب نظر سلطان مؤثر واقع شود. لذا افرادی که با این شرایط به این منصب مهم نائل می‌شدند، کارایی چندانی در انجام وظایف محوله نداشتند و منافع سیاسی خود را بر هر امری مقدم می‌شمردند. لذا عواملی چون زد و بندهای سیاسی، منافع شخصی، دخل و تصرف‌های ناروا در امور مالی آستانه بر نحوه کارکردهای متولیان تأثیر نهاد و سبب آشفتگی امور و در نتیجه ناکارآمدی کارگزاران در این نهاد مذهبی شد. البته همواره بدین شکل نبوده چرا که در کنار این معضلات، تدبیر راهبردی برخی از متولیان در گسترش معارف و فرهنگ تشیع در آستان قدس رضوی نقش مهمی ایفا کرده است. به طوری که در کارنامه شماری از متولیان می‌توان اقدامات مذهبی، فرهنگی و اجتماعی آنها را در ایجاد تسهیلات و امکانات برای زائران نظیر تأسیس مکتب خانه، دارالشفاء و تعمیر بیوتات مشاهده کرد. همچنین متولیان در کنار اقدامات مذکور علاوه بر تأثیرات در اعتلاء و ترویج فرهنگ تشیع در رفاه اجتماعی نیز نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون، (۱۳۶۲)، *امیرکبیر و ایران*، تهران، خوارزمی.
- ابن اشدقم، علی بن حسین، (۱۳۸۰)، *زهره المقول*، نجف، بی‌نا.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۷۴)، *مآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران*، ترجمه ایرج افشار، ج ۱، تهران، اساطیر.
- _____، (۱۳۶۲)، *مطلع الشمس*، با مقدمه محمد پیمان، ج ۲، تهران، پیشگام.
- _____، (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، تهران، دنیای کتاب.
- افشار، ایرج، (۱۳۴۹)، «*ثسنت و چهار سند تاریخی درباره خراسان و هرات*»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال ۵، ش ۳-۱۳۴۹، ۲.
- بامداد، مهدی، (۱۳۷۱)، *شرح حال رجال ایران*، ج ۱، تهران، زوار.
- ترکمان، اسکندربیک، (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- جهان پور، فاطمه، (۱۳۸۷)، *تاریخچه مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیم*، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.
- حسن آبادی، ابوالفضل، (۱۳۸۲)، «*تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه*»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا؛ ش ۶۰-۷۱، س ششم.
- حسن آبادی، ابوالفضل، (۱۳۸۷)، *منصب قائم مقام التولیه در دوره قاجاریه*، دفتر اسناد، ج ۴، کوشش زهرا طلایی، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- خالقی، محمدهادی، (۱۳۷۸)، *دیوان نقابت، پژوهشی درباره پیدایش و گسترش اولیه تشکیلات سرپرستی سادات*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خانیکوف، (۱۳۷۵)، *سفرنامه خانیکوف*، ترجمه اقدس یغمایی و دیگران، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

- خراسانی، محمد هاشم، (۱۳۴۷)، *منتخب التواریخ*، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۶۷)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۴، تهران، امیرکبیر.
- رضوی، محمد باقر، (۱۳۵۲)، *شجره طیبه*، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران، چاپخانه حیدری.
- رفیعا، میرزا، (۱۳۸۵)، *دستورالملوک*، به کوشش محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران، مرکز اسناد.
- روزنامه دولت علیه ایران*، ش ۵۸۹، پنجشنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۸۳، ص ۵.
- دالمانی، هانری رنه، (۱۳۵۵)، *سفرنامه خراسان تا بختیاری*، ترجمه فرهوشی، تهران، امیرکبیر.
- سلیمی فر، مصطفی، (۱۳۷۰)، *نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
- سپهر، محمد تقی، (۱۳۷۷)، *ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه*، به اهتمام جمشید کیانفر، ج ۳، تهران، اساطیر.
- سمیعا، میرزا، (۱۳۶۸)، *تذکره الملوک*، به کوشش محمود دبیرسیاقی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر.
- سوزنچی، علی، (۱۳۸۵)، *معرفی نایب التولیه‌های آستان قدس از دوره صفویه تا قاجاریه*، دفتر اسناد، ج ۳ و ۲، به کوشش زهرا طلایی، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- سیاح، حمید، (۱۳۴۶)، *خاطرات سیاسی حاج سیاح*، تصحیح سیف الله گلکار، تهران، ابن سینا.
- شاگری، رمضان علی، (۱۳۶۷)، *گنج هزارساله*، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- شهشهانی، عبدالوهاب، (بی تا)، *بحرالجوهر فی علم الدفاتر*، تهران، چاپ سنگی.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا، (۱۳۷۶)، *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به کوشش مسعود میرزا سالور، ج ۲، تهران، اساطیر.

- فرخ، مهدی، (۱۳۴۵)، *خاطرات سیاسی فرخ*، تهران، جاویدان علمی.
- فریزر، جیمزبیلی، (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر*، معروف به سفر زمستانی فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران، توس.
- قمی، احمدبن حسین، (۱۳۵۹)، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشرافی، تهران، دانشگاه تهران.
- کاظم امام، محمد، (۱۳۴۸)، *مشهد طوس، تاریخ و جغرافیای تاریخی خراسان*، مشهد، کتابخانه ملی ملک.
- کاویانیان، احتشام، (۱۳۵۵)، *شمس الشمسوس یا تاریخ آستان قدس رضوی*، مشهد، نشر آستان قدس.
- کرزن، جورج ناتانیل، (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمیان، علی، (۱۳۷۸)، *اسناد موقوفات آستان قدس در هرات*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- لمبتون، ا. ک، (۱۳۶۴)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ماهوان، احمد، (۱۳۸۳)، *تاریخ مشهدالرضا*، تهران، سخن گستر.
- ماوردی، ابی الحسن، (۱۹۹۶ م)، *احکام السلطانیه و الولایات الدینییه*، بیروت، دارالفکر.
- متز، آدام، (۱۳۶۲)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگزلو، تهران، امیرکبیر.
- مدیرخزنی، محمد، (۱۳۳۵)، *تسجیره، سلسله جلیله سادات رضوی*، مشهد، زوار.
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل، (۱۳۶۲)، *مجمع التواریخ*، به اهتمام عباس اقباس آشتیانی، تهران، انتشارات کتابخانه طهوری.
- مسوفی، عبدالله، (۱۳۷۱)، *شرح زندگانی من*، ج ۲، تهران، هرمس.
- مصطفوی رجالی، مینودخت، (۱۳۵۱)، *وقف در ایران*، بی جا، بی نا.

معتقدی، ربابه، (۱۳۸۷)، فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا قاجاریه، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

موتمن، علی، (۱۳۴۸)، راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران.

موری موتو، کازتو، (۱۳۸۶)، مطالعه‌ای مقدماتی درباره پراکندگی جغرافیایی نقابه‌الطالبین، ترجمه محمدحسین حیدریان، آیین میراث، ش ۲۰۱.

مولوی، عبدالحمید، (۱۳۵۸)، پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس، ج ۳، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

_____، (۱۳۲۹)، فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.

ناصرالدین شاه قاجار، (۱۳۶۳)، سفرنامه دوم خراسان، تهران، شب تاب.

نوایی، عبدالحسین، (۱۳۷۷)، اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف السلطنه، گزیده اسناد خراسان، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

وحید قزوینی، محمد طاهر، (۱۳۲۹)، عباس‌نامه، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک، داوودی.

هاشم میرزا، سلطان، (۱۳۷۹)، زبور آل داوود، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نشر میراث مکتوب.

همدانی مستوفی، اسماعیل خان، (۱۳۱۷)، آثار الرضویه من متخبات الصدیقه، مشهد، چاپ سنگی.

بیت، چارلز ادوارد، (۱۳۶۵)، سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه قدرت‌الله روشنی (زعفرانلو) و دیگران، تهران، یزدان.

Farhat, may (unpublished desertation), (2002), *Islamic Piety And Dynastic Legmitacy The Case Of Ali-musal-Reza In Mashhad (10-17)*, Harvard University.

نسخ خطی

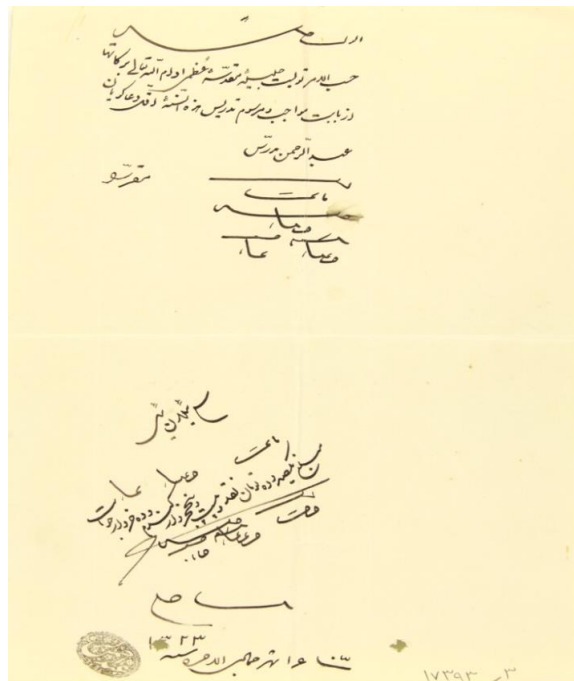
بسطامی، نوروزعلی، (۱۳۳۲ هـ.ق)، فردوس‌التواریخ، مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، نمره مسلسل ۲۷۸ [نسخه خطی].

خلخالی، محمدباقر، (۱۳۳۱ هـ.ق)، *جنات الثمانیه*، مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی،
نمره مسلسل ۴۱۰۰ [نسخه خطی].

فهرست اسناد

- سازمان اسناد ملی ایران ۲۹۵۰۰۴۵۱۶-۲۳۳۴ ب ۳ الف را.
- سازمان اسناد ملی ایران ۲۴/۲۵۰۰۰۰۸۱۷/۱۰۳ و ۱ الف ۱،
- سازمان اسناد ملی ایران ۲/۲۵۰۰۰۰۸۱۷-۱۰۳ و ۱ الف ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران ۱/۲۵۰۰۰۰۸۱۷/۱۰۳ و ۱ الف ۱.
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ۱۵۴۰۴/۵
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ۱۵۴۰۴/۶
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. ۲۹۷۲۳/۱
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ۱۷۳۹۳/۳
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ۱۹۶۵۷/۱
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ۴۰۰۸۱/۱
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. ۳۹۵۴۶/۱

سند شماره ۱ (تصویر ۱)



بازخوانی سند شماره ۱

هو الوهاب

حسب الامر تولیت جلیله مقدسه عظمی آدم الله تعالی برکاته از بابت موجب و مرسوم
تدریس هذه السنه اقل دعاگویان عبدالرحمن مدرس.

امضاء

مقرر شد

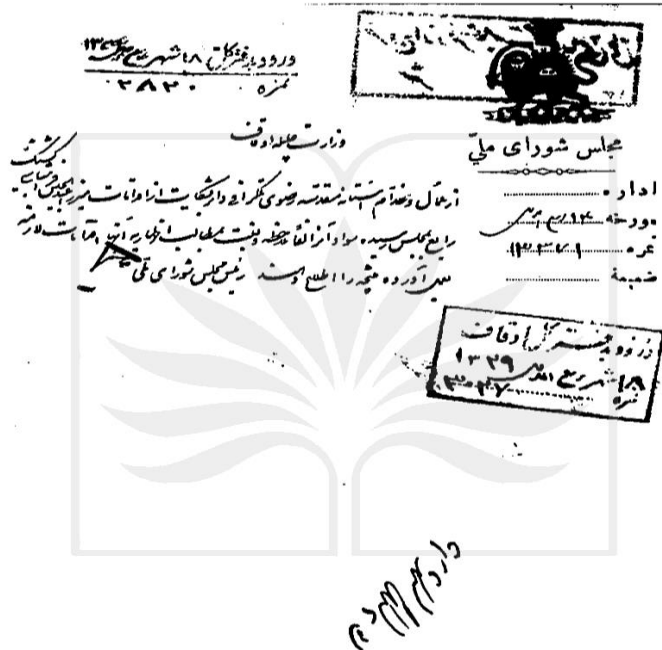
سبع تیلان ٹیل مبلغ یکصد و ده تومان نقد و پنج خروار گندم و ده خروار جو.

امضا

اواسط جمادی الاولی سنه ۱۳۲۳

مهر بیضی شکل: عبدالله.

سند شماره ۲ (تصویر ۲)



بازخوانی سند شماره ۲

نشان شیر و خورشید ایستاده

مجلس شورای ملی - مورخه ۱۴ ربیع الاول - نمره ۱۳۳۷۱

وزارت جلیله اوقاف

از عمال و خدام آستانه مقدسه رضوی تلگرافی دائر به شکایت از اقدامات میرزا عبدالحسین فراشباشی کشیک رابع به مجلس رسیده، سواد آن را لطفاً ملاحظه و نسبت به مطالب اظهاریه آنها اقدامات لازمه به عمل آورده، نتیجه را اطلاع دهند. رئیس مجلس شورای اسلامی

حاشیه ۱: مهر ورود به دفتر کل - ۱۸ شهر ربیع الاول ۱۳۳۹ - نمره ۲۸۲۰

حاشیه ۲: مهر ورود به دفتر کل اوقاف - ۱۸ شهر ربیع الاول ۱۳۳۹ - نمره ۳۰۲

سند شماره ۳ (تصویر ۳)



دوره پنجم ۱۳۰۳ شمسی
شماره ۲۷۷۹

مجلس شورای ملی
علم و ادب

جلسه شورای ملی
روز پنجشنبه ۱۳۰۳ شمسی در روزنامه دانش ایشده در تمام مردم و در روزنامه با صدراعظمی است
روز چهارم از اجلاس این مجلس در انشاء را خراب کرد صدراعظم از آن در استند در روز زمین بود و خوشتر
در مردم طهران با برهنگی بسیار باشند که مردم در استند در ایالت قزوین و سایر ایالتها
صدراعظم از آن گرفت بدست فسر بود و گفت تا کوشش خود را در چشم چنان خواهد بود هر فردی که در زمین کوشش
برضی رضی در برابر زمین است چنانچه فرموده است که مردم را در زمین هر قدر از علم و ادب
بر هر از طرف تربیت صید در زمین بودی و با کمال در استند در ایالت آن باغ چنانچه
تا کوشش در این مردم چنانچه فرموده است که مردم را در زمین هر قدر از علم و ادب
بد و در روز چهارم نایب بسم الله چنانچه فرموده است که مردم را در زمین هر قدر از علم و ادب
و در روز پنجم فرموده است که مردم را در زمین هر قدر از علم و ادب
تمام کوشش را بر مردم که در استند در ایالت قزوین و سایر ایالتها
کرد و امیدوارم که این در زمین هر قدر از علم و ادب
چنانچه خواهد بود در ایالت قزوین و سایر ایالتها

سواد هر یک از اینها
کتابخانه
نومبر ۱۳۰۳
شماره ۱۳۰۳

بازخوانی سند شماره ۳

نشان شیر و خورشید ایستاده

مجلس شورای ملی - سواد عریضه مشهدی آقا بزرگ - اداره ولایات - نمره ۱۲۰۲۵ -
مورخه شهر ربیع الاول ۱۳۲۹.

عرض می شود این قدر که در روزنامه‌ها نوشتن [نوشتند]، این قدر که تمام مردم داد زدند که بابا صدرالممالک آستانه علی ابن موسی الرضا (ع) روحی و ارواح العالمین له الفداه را خراب کرد، صد هزار تومان مال آستانه را از میان برد. خودش مکرر می گوید که بروم تهران باید مدتی بیکار باشم، از کیسه بخورم. مال آستانه که مال ملت بیچاره نیست، که معتمدالوزاره صد هزار تومان تصرف [ناخوانا] مگر شما گوش شنوا و چشم بینا ندارید که هر طور ۱ داد می زنند، کسی گوش به عرض عارضین، جراید که زبان ملت می باشد نمی دهید. اگرچه آقای اردبیلی که خدا طول عمر به ایشان بدهد از هر طرف تولیت جلیله در مجلس شورای ملی وکالت دارند. البته ایشان مانع نمی شوند. شما گوش به عرایض مردم بدهید. آخر نه این است سی کرو نفوس محترم شما را انتخاب کردند. [مخدوش] این بود که دردی را چاره نمائید، نه آن که چندان بشود هر چه مردم عریضه عرض می کنند، داد می زنند نتیجه ندارد. این فصل زمستان با این امر خدا می داند. امیرالسلطنه نیز دارد تمام گوشت تیره به مردم می خوراند. آخر چرا به داد ماها نمی رسید. الان حق التولیت دو عشر برداشت کرد و امیدوارم که آن عریضه را مثل بسیار عریضه‌ها زیر زانو نگذارید. جواب مرحمت فرمائید. پست خانه خواهید رسانید. آقا بزرگ. سواد مطابق اصل است. امضاء

حاشیه ۱: ملفوف نمره ۳۰۰۲ - اندیکاتور اداره کل اوقاف

حاشیه ۲: مهر ورود به دفتر کل ۱۳ شهر ربیع الاول ۱۳۲۹ - نمره ۲۷۷۹